

نتیجه گیری

امام راحل با بیکران خواندن فقه، این علم دینی را تنوری اداره انسان از گهواره تا گور خواند و برناکافی دانستن اجتهاد مصطلح برای رویارویی با مسائل جدید جهانی و اداره مقتضی و روزآمد جامعه تأکید کرد و با دخالت دادن اکید زمان و مکان که منجر به شناخت جدید از ملاکات نو، برای احکام جدید می شود، عنصر عقلانیت را در فرآیند اجتهاد بسیار ضروری شمرد. شیوه بدیع اجتهادی امام راحل در تلائم و تعامل کامل با شیوه اجتهادی مصطلح یا رایج بوده و طرح اجتهادی ایشان، طرح سنت نواندیشانه است که سنت و نواندیشی را در کنار هم قرار داده است و لذا ماهیت روش فقهی ایشان در حوزه مسائل فقه سیاسی کاملاً شرعی است، نه اینکه سند و عرف زمانه مبنای آن باشد. اصلی ترین مصداق نوآوری در فقهت سیاسی امام^{علیه السلام} بهره گیری از شیوه اجتهاد مبتنی بر لحاظ مؤکد نقش زمان و مکان در جهت فهم ملاکات جدید برای برداشت های تازه و نو از متون دینی بوده و ایشان از این قابلیت و ظرفیت فقه شیعی، نهایت استفاده را نموده است.

گزارشگر: نجفعلی غلامی

امکان فلسفه اسلامی (۱) و (۲)

گفت و گو با: غلامرضا فیاضی

ایران، ش ۳۱۸۵ و ۳۱۸۶، ۲۶ و ۲۷/۱/۱۳۸۸

آقای فیاضی در این گفت و گو نخست فلسفه را تعریف می کند که مطابق با نظر علامه طباطبایی^{علیه السلام} و متأخرین، فلسفه از «هستی» بحث می کند، از آن جهت که هستی است. وی فلسفه را در اسلام با الهام از آیه «نُفِر» از مراحل تَفَقُّه و دین شناسی می داند. تفقه در اصطلاح قرآن، تلاش برای فهم عمیق از دین بوده و دارای سه مرحله است: ۱. شناخت و تبیین و اثبات عقاید دینی؛ ۲. تقریر عقاید و ۳. تبیین احکام. ایشان با بیان این که عقل تنها کلیات را می فهمد و از ادراک جزئیات و تعبدیات عاجز است بر این باور درست اصرار دارد که اصل حقانیت دین را نمی توان به مدارک درون دینی مستند کرد. هیچ دین یا مکتبی نیست که بتواند از تفکر عقلی خالی باشد. هر دین و مکتبی اگر بخواهد مبنا و اساس داشته باشد، باید بر یک فلسفه تکیه کند. برای تبیین و دفاع از یک مکتب باید از زبان مشترک بین صاحبان آن مکتب و مخالفان استفاده کرد که همان زبان عقل و استدلال است. ولی تفاوت فلسفه و کلام را در این می بیند که در فلسفه اصالت با هستی و احکام آن و در کلام اصالت با عقاید دینی می باشد. به همین دلیل متکلم از هر راهی (هرچند عقلی و فلسفی) برای اثبات مطلوب خود کمک می گیرد. اگر فلسفه به نتایجی برسد که با آموزه های دینی (اسلامی، مسیحی و...) مطابق باشد، آن فلسفه فلسفه دینی (اسلامی، مسیحی و...) نامیده می شود. اگر مسلمانی از تقلید در

اعتقادات دست بردارد و بخواهد عقاید اصلی‌اش تبیین شود باید تبیین عقلی از اعتقادات خود داشته باشد که فلسفه اسلامی پاسخ‌گوی این نیاز است.

ایشان در پایان دلیل مخالفت تفکیکیان با فلسفه را در این می‌داند که این گروه مراد فلسفه را به طور صحیح درک نکرده‌اند. به عنوان مثال تفکیکیان سنخیت را به معنای لغوی آن یعنی شباهت می‌دانند که با این نگاه، فلاسفه قایل به شباهت بین خدا و مخلوقات شده‌اند. در حالی که در بخش الاهیات، حکما می‌گویند: خداوند هیچ مشابهی در هیچ یک از صفاتش ندارد. سنخیت در فلسفه به این معناست که در وجود علت باید خصوصیتی باشد که با معلول متناسب باشد، به گونه‌ای که صدور این فعل از او امکان داشته باشد. مخالفین فلسفه همان‌گونه که در معارف غیرفقهی به عقل مراجعه نمی‌کنند، در معارف فقهی هم در حقیقت اخباری مسلک‌اند، یعنی اصول فقه را بدعت می‌دانند؛ چرا که در زمان پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام اصول مطرح نبوده است.

فزارش‌ها: علی‌اعلی بنایی

آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی

سیدعلی محمودی

اعتماد ملی، ش ۸۹۲، ۱۳۸۸/۱/۲۴

روابط بین‌الملل در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم، دو نظریه واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی را تجربه کرده است. به نظر می‌رسد نسبت میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی با تکیه بر تجربه ایران در سه دهه اخیر به شکل‌های زیر قابل صورت‌بندی است:

۱. **وضعیت آرمان‌گرایی:** در این وضعیت، سیاست‌گذاران و مجریان سیاست خارجی می‌کوشند شعارها و آرمان‌ها را بنیان سیاست‌ورزی در عرصه روابط خارجی قرار دهند. آرمان‌گرایی در سیاست خارجی، حرکت در قلمرو ناممکن، ساختارشکنی و امید به ایجاد نظم تازه در روابط بین‌الملل و مدیریت جهان به گونه‌ای دیگر است.

۲. **وضعیت واقع‌گرایی:** در این وضعیت، طراحی و اجرای سیاست خارجی با تکیه بر واقعیت‌ها، درک امکانات و محدودیت‌ها، دست زدن به ائتلاف با دیگر کشورها، تأمین نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی و مشارکت در رقابت‌ها شکل می‌گیرد. واقع‌گرایان در پی‌گیری هدف‌های خویش، همواره ملتزم به مکتب اصالت نفع بوده‌اند و کمتر در سایه اخلاق و الزامات انسانی تنفس کرده‌اند. برآیند کار واقع‌گرایان در سیاست خارجی، متأسفانه با کشتارها و ویرانی‌های خانمان‌سوز در جای‌جای جهان همراه بوده است.

۳. **وضعیت آمیختگی آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی:** در این وضعیت، سیاست‌گذاران و کنش‌گران سیاست خارجی، به جنبه‌های مثبت و منفی آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی کم و بیش

بازتاب اندیشه ۱۰۹۱۱۴

۲۰۲
گزارش‌ها